

بلژیکی رها شده از اسارت افراطیون، از حقایق سوریه پرده

برمیدارد

نشانی ویدئو و متن مصاحبه:

<http://www.vesti.ru/doc.html?id=1128559>

ترجمه و زیرنویس: ا.م. شیری

۲۱ سنبله ۱۳۹۲

بهانه برای مداخله نظامی در سوریه- شک و تردیدها در باره ادعاهای دایر بر استفاده ارتش سوریه از سلاح شیمیائی در اطراف دمشق هر چه بیشتر افزایش می یابد. این موضوع را، که در واقعیت امر، یک تحریکات از طرف جنگجویان بوده، **پیر پیچنین دا پراتای بلژیکی (Pierre Piccinini da Prata)**، که تقریباً شش ماه در اسارت افراطیون بسر برده، تأیید میکند. او، گفتگوی جنگجویان با برخی حامیان خارجی بزبان سلیس انگلیسی را که برای حمله شیمیائی آمده میشدند، شنیده است.

پیر پیچنین که در طول بیش از پنج ماه در اسارت افراطیون بسر برد، پس از آزادی در روز یکشنبه هفته گذشته و بازگشت به بلژیک، قبل از هر کاری به نزد والدین خود در شهر کوچک **ژمبلای (Gembloux)**، واقع در ۵۰ کیلومتری پایتخت بلژیک رفت. تقریباً همه خویشاوندان در خانه معمولی آنها جمع شدند.

پیر، معلم دبیرستان و مورخ، ۸ بار به سوریه سفر کرده است. این حامی سرسخت مخالفان سوریه میگوید، فی نفسه، ارتش آزاد در آنجا باقی نمانده است. کشور را با دسته های بیشمار اسلامگرایان پر کرده اند.

دسته های ارتش آزاد، همینکه **پیر** و همکار ایتالیائی او، **دومنیکو کوئیریکو** به مرز لبنان رسیدند، به آنها خیانت کردند و آنها را به اسلامگرایان فروختند. آنها را در سردابه ای در شهر تسخیری القصیر نگهداری میکردند. این دانشمند میگوید: «همه چیز- ساعتها، پاسپورتها، پولها، کارتهای اعتباری، دوربینهای فیلمبرداری، حتی پوتینهای ما را هم گرفتند. لخت مان کردند، جلو هر کدام از ما یک شلوار کهنه انداختند».

بخاطر اینکه هر دو مسیحی هستند، با آنها مثل حیوانات رفتار کردند، مورد توهین و تمسخر قرار دادند. اغلب روی میز غذا نمی دادند، آب ناپاک به آنها میدادند، در گرمای تابستان دو-سه هفته یک بار هم اجازه حمام نمیدادند، آنها دو بار اقدام به فرار کردند.

پیر به یاد می آورد: «پس آنکه ما را دستگیر کردند، کتک میزدند، اغلب با لگد به کلیه مان، دستمان را از پشت می بستند و دو شبانه روز در این حالت نگه میداشتند. به پشت همکارم تخته سنگ گذاشته و روی آن می پریدند، فکر کردم ستون فقرات او را میشکنند. نوک زبان مان را با قیچی بریدند. خیلی دردآور بود».

پیچنین و گوئیریکو بدست باند **فاروق** افتادند، همان فاروق که اعضای بدن یک سرباز کشته شده ارتش سوریه را خورد. **پیر** بخاطر می آورد: اعدام برای اسلامگرایان یک سرگرمی بود. چند بار آنها با گذاشتن بشکه به پشت سر ما، ما را به اعدام تهدید کردند.

پیر ادامه میدهد: «جهادگران سه مبارز «حزب الله» را چنان محکم کتک زدند، تقریباً تا سرحد مرگ، که قابل شناخت نبودند. ما را به تماشای بریدن انگشتان آنها مجبور کردند. میگفتند، بدستور **ابو عمر** ما آنها را اینطوری مجازات میکنیم. سپس، سر هر سه نفر را بریدند. یک بار دیگر، ما را به تماشای صحنه اعدام سرباز جوان ارتش سوریه وادار کردند. این خشونت، محصول ظلم و ستم بی مجازات است. ما به کشور شیاطین، به سرزمین دژخیمان، به جایی که آدمها احساسات انسانی را فراموش کرده اند، افتادیم».

پیچنین اعتراف میکند: «اسلامگرایان در انتظار حمله ارتش می ماندند. تحریکات با استفاده از سلاح شیمیایی فقط در انحصار آنهاست». دانشمند بلژیکی در ادامه میگوید: «این بود گفتگوی بین ژنرال ارتش آزاد با افسر دسته های الفاروق و شخص سوم با اسکایپ، که بزبان انگلیسی بسیار عالی سخن می گفت. این شخص قطعاً بریتانیایی بود. از این گفتگو، من چنین نتیجه میگیرم، که این، مطلقاً دولت بشار اسد نبود که از گاز برعلیه مردم در حومه دمشق، در غوطه استفاده کرد».

در این باره، که انگلیسی ها چگونه در این کار دخیل بودند، و آنها مشخصاً چه میگفتند، **پیچنین** قول داده در روزهای آینده، طی اعلامیه مشترک با همکار ایتالیایی خود سخن بگوید.

زیر نویس مترجم:

بیانات کوتاه **پیچنین** فقط قطره بسیار کوچکی از دریای عظیم جنایات یکی از گروههای تحت فرماندهی غرب امپریالیستی - تروریستی (باند الفاروق) در سوریه است که هیئت باصطلاح

سیاسی- اجرائی سازمان اکثریت نیز از آنها بعنوان «همه گروههای مخالف دولت سوریه»^(۱) نام میبرد.

بیش از دو سال و نیم جنگ استعماری- تروریستی علیه کشور، مردم و دولت سوریه مستقل، جای کمترین شکی باقی نگذاشته است که، تروریسم دولتی غرب، گله های مزدور آدمخواران را آموزش داده، سازماندهی نموده، و با تنظیم نقشه جنگی، تأمین مخارج، تسلیحات و تجهیزات آنها با پول نفت مالیات دهندگان و نفت و گاز عربستان سعودی، قطر، کویت و... باندهای تروریستی را بنام «مخالفان دولت» به سوریه گسیل داشته است تا در پناه آنها به نیات و اهداف استعماری خود جامه عمل بپوشاند. این، یعنی «یک تیر و دو نشان»!

در اوضاع و احوال امروزی جهان که سلطه استبدادی امپریالیسم بر جهان بیداد میکند، «حقیقت» بی یا و یاور، خوار و ذلیل تر شده است، اظهارات افرادی مانند **پیچنین** و تلاش و تقلاهای معدود و محدود در این گوشه و آن گوشه دنیا، مشکل بتواند به این زودیها موجب بیداری بشریت تحت ستم سرمایه داری بشود. با این وجود، نه دست روی دست گذاشتن جایز است و نه برافراشتن پرچم سفید!

(۱)-

<http://kar-online.com/node/6791#comment-1846>